

حدود صلاحیت هیئت داوری بورس و امکان سنجی تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داوری بورس

سیدمحمد امین حسینی*

چکیده

هیئت داوری بورس به عنوان یک مرجع تخصصی غیرقضایی جهت رسیدگی تخصصی به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای میان فعالان بازار سرمایه تأسیس گردیده است. حدود صلاحیت هیئت داوری بورس و امکان سنجی قابل تجدیدنظر بودن آراء صادره از هیئت داوری از مسائل مهم می‌باشد که در رویه قضایی درباره این مسائل وحدت نظر وجود ندارد. صلاحیت هیئت داوری طبق ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار محدود به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای می‌باشد و اگر اختلافی ناشی از فعالیت حرفه‌ای نباشد در صلاحیت محاکم عمومی حقوقی قرار دارد. تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار آراء هیئت داوری را قطعی و لازم‌الاجرا دانسته است و هر تلاشی برای قابل تجدیدنظر دانستن این آراء اجتهاد در برابر نص می‌باشد. همچنین قائلین به قابل اعتراض بودن آراء هیئت داوری، مرجع صالح برای اعتراض را یا محاکم عمومی حقوقی یا دیوان عدالت اداری دانسته‌اند. برای صالح دانستن هر کدام از این دو مرجع مانعی وجود دارد. به علاوه که هدف پسندیده مقنن از تأسیس هیئت داوری رسیدگی تخصصی به اختلافات بورسی می‌باشد که قابل اعتراض بودن در مراجع غیرتخصصی این هدف را زائل می‌نماید. از طرفی قطعی دانستن آراء، موجب تضییع حق دادخواهی دادباخته می‌گردد. به نظر می‌رسد مقنن برای حفظ حق دادخواهی اشخاص و تحقق هدف رسیدگی تخصصی به دعاوی بورسی باید هیئت داوری تجدیدنظر را تأسیس کند. بدیهی است که

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری، تهران، ایران
aminhosseyny@yahoo.com

ترکیب اعضای هیئت داوری تجدیدنظر از حیث تخصص و تعداد اعضا باید از هیئت داوری بدوی تخصصی تر باشد.

واژگان کلیدی: هیئت داوری بورس، بازار اوراق بهادار، صلاحیت، تجدیدنظرخواهی، دیوان عدالت اداری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هیئت داورى بورس، ابتدا در مواد ۱۷ و ۱۸ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ به عنوان نهادى غیرقضایى برای رسیدگى به اختلافات بورسى تأسیس شد و سپس در مواد ۳۶ و ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ با تحولاتی مواجه گردید. هرچند شاکله اصلی هیئت داورى در قانون بازار اوراق بهادار حفظ گردید. از حیث صلاحیت هیئت داورى، در ماده ۱۷ قانون تأسیس بورس^۱ آمده بود که هیئت داورى بورس به اختلاف بین کارگزاران با یکدیگر و به اختلاف بین فروشندگان یا خریداران یا کارگزاران که از معاملات بورس ناشى گردد رسیدگى مى‌نماید. سپس صلاحیت هیئت داورى به موجب قانون بازار اوراق بهادار گسترش یافت. بدین ترتیب که ماده ۱۷ قانون تأسیس بورس صرفاً اختلافات بین کارگزاران و سرمایه‌گذاران (خریدار و فروشنده) را در صلاحیت هیئت داورى قرار داده بود اما ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، صلاحیت هیئت داورى را به اختلافات بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذارى، ناشران و سایر افراد ذی‌ربط گسترش داد.^۲ از حیث تشریفات رسیدگى نیز در ماده ۱۸ قانون تأسیس بورس هیئت داورى مکلف شده بود که ظرف سه روز رأى خود را صادر و اعلام کند.^۳ این تکلیف با توجه به

۱. ماده ۱۷ - هیئت داورى بورس که به طور دائم تشکیل مى‌گردد به اختلافات بین کارگزاران با یکدیگر و به اختلافات بین فروشندگان یا خریداران یا کارگزاران که از معاملات در بورس ناشى گردد رسیدگى مى‌کند. این هیئت از یک نفر نماینده وزارت دادگستری که از بین رؤساء شعب و یا مستشاران دیوان عالی کشور انتخاب خواهد شد و یک نفر نماینده شورای بورس و یک نفر نماینده مشترک اتاق صنایع و معادن ایران و اتاق بازرگانى تهران تشکیل مى‌شود. وزیر دادگستری از بین قضات دیوان عالی کشور و شورای بورس طبق بند ۳ ماده ۴ و اتاق‌های مذکور مشترکاً هر یک علاوه بر نماینده اصلی خود یک نفر را نیز به عنوان عضو علی‌البدل تعیین و معرفی مى‌نماید. عضو علی‌البدل در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیئت داورى بورس شرکت خواهد کرد. ریاست هیئت داورى بورس به عهده نماینده وزارت دادگستری است.

۲. ماده ۳۶ - اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذارى، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشى از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها توسط هیئت داورى رسیدگى مى‌شود.

۳. ماده ۱۸ - در هیئت داورى بورس رسیدگى به اختلافات تابع تشریفات مقرر در آیین‌نامه مربوط خواهد بود. هر یک از طرفین اختلاف مى‌توانند موضوع درخواست خود را به اطلاع هیئت داورى رسانده و تقاضای صدور رأى نمایند. هیئت داورى بورس باید فی‌المجلس به موضوع اختلاف رسیدگى و رأى

اندک بودن دعاوی بورسی در زمان وضع قانون تأسیس ممکن بود اما امروزه با توجه به توسعه فعالیت‌های بورسی و به دنبال آن گسترش دعاوی و اختلافات بورسی، چنین تسریعی در رسیدگی برای هیئت داوری ممکن به نظر نمی‌رسد و لزوم تسریع در رسیدگی در قانون بازار اوراق بهادار ذکر نگردیده است. اما با توجه به اهمیت زمان و اصل تسریع رسیدگی در دعاوی تجاری، هیئت داوری باید تلاش کند به اختلافات در سریع‌ترین زمان ممکن رسیدگی نماید.

باید به این نکته نیز توجه نمود که هیئت داوری به عنوان یک مرجع غیرقضایی تنها از نام و عنوان «داوری» برخوردار است و هیچ ارتباط و سنخیتی میان هیئت داوری بورس و با نهاد داوری در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی وجود ندارد (نهرینی، ۱۳۹۶: ۸۸۳).

به طور کلی درباره هیئت داوری بورس سه سوال مهم وجود دارد که در مقاله سعی بر این است که به این سه سوال پاسخ داده شود: اول این که حدود صلاحیت هیئت داوری صرفاً محدود به اختلافات اشخاص مذکور در ماده ۳۶ ناشی از فعالیت حرفه‌ای است یا هرگونه اختلافی که فی‌مابین فعالان بازار سرمایه پیش بیاید را دربرمی‌گیرد؟ دوم آیا امکان تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داوری وجود دارد یا خیر؟ سوم اگر امکان تجدیدنظرخواهی وجود دارد، مرجع صالح برای تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داوری کجاست؟

۱. صلاحیت هیئت داوری

در دادنامه شماره ۱۳۱۷۰۱۳۱۷۸۰۲۲۷۸۰۹۹۷۰۹۱۰ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران چنین می‌خوانیم: «آقایان ح.ک. و ر.ع. به وکالت از آقای ع.الف. فرزند ع. به طرفیت شرکت ک.ص. (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۱۲۲۸۱ با وکالت آقای ر.ج. به خواسته صدور حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۲/۴۹۷/۸۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته با احتساب خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ

خود را اعلام نماید. در صورتی که رسیدگی و اعلام رأی در همان جلسه ممکن نباشد هیئت داوری باید حداکثر ظرف سه روز رأی خود را صادر و اعلام کند. رأی این هیئت لازم‌الاجرا است و اداره ثبت اسناد مکلف است که طبق مقررات راجع به اجراء اسناد رسمی آن را اجراء کند.

مطالبه تا روز وصول، به انضمام جمیع خسارت‌های مربوط به دادرسی مطرح کرده‌اند و چنین توضیح داده‌اند: «... موکل به استناد ۷ فقره رسید واریز وجه بانکی، جمعاً به مبلغی معادل ۲۴۹۷۸۰۰۰۰۰ ریال جهت خرید سهام به حساب خوانده واریز می‌کند. توضیحاً آن‌که موکل پیش از تنظیم قرارداد و صدور دستور خرید سهام به خوانده، رأساً مبادرت به واریز وجه می‌کند، حال با عنایت به عدم تنظیم قرارداد فی‌مابین اطراف دعوی، بودن وجوه مذکور در ید خوانده محترم، وجهه قانونی و شرعی ندارد...» بر این مبنا، تقاضای رسیدگی موضوع شده است.»

در این نوشتار قصد نداریم به جنبه‌ی ماهوی پرونده بپردازیم بلکه می‌خواهیم بررسی کنیم آیا دادگاه حق ورود به دعوا میان مشتری و کارگزاری را دارد یا خیر؟ همانطور که در متن رأی آمده است خواهان قبل از انعقاد قرارداد با خوانده (شرکت کارگزاری) برای خرید سهام، مبلغی را جهت خرید سهام به حساب خوانده (شرکت کارگزاری) واریز می‌کند اما از آنجا که خواهان و خوانده به توافق لازم برای انعقاد قرارداد نمی‌رسند، پول بدون دلیل در حساب خوانده می‌ماند. دادگاه پس از بررسی اظهارات طرفین با استناد به مواد ۲۶۵ و ۳۰۳ قانون مدنی حکم به پرداخت اصل وجه و خسارت تاخیر تأدیه می‌دهد. دادباخته تقاضای تجدیدنظر می‌کند. دادگاه تجدیدنظر در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۶۸۳ چنین انشاء رأی می‌کند: «قطع نظر از صحت و سقم قضیه، نظر به اینکه مطابق صراحت ماده ۳۶ از قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱، هرگونه رفع اختلاف فی‌مابین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار و سرمایه‌گذاران ناشی از معاملات بورس، در صلاحیت هیئت داوری متشکل از یک عضو به انتخاب ریاست محترم قوه قضاییه و دو عضو از بین صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد و این هیئت در حال حاضر در سازمان بورس دایر بوده و به اختلافات حاصله رسیدگی می‌نماید و محاکم دادگستری با توجه به تعیین مرجع رسیدگی به اینگونه دعاوی توسط قانونگذار، صلاحیت رسیدگی به دعوی معنونه را ندارند که در مانحن‌فیه اختلاف حادث شده فی‌مابین متداعین پرونده، ناشی از معاملات واقع شده راجع به سهام در بورس اوراق بهادار بوده که تجدیدنظرخوانده بابت خرید سهام مبادرت به واریز مبلغ مبحوث‌عنه به حساب

شرکت کارگزاری نموده است، از این رو دادگاه با عنایت به مراتب فوق‌الاشعار و با استناد به قسمت اول از ماده ۳۵۸ و ۳۵۲ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن نقض دادنامه معترض‌عنه، قرار عدم صلاحیت این مرجع به اعتبار و شایستگی هیئت داوری مستقر در سازمان بورس و اوراق بهادار صادر و اعلام می‌نماید و پرونده در اجرای ماده ۲۸ از قانون مرقوم، به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد.» بنابراین دادگاه تجدیدنظر وفق ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت ذاتی در رسیدگی موضوع مطروحه می‌داند.

آنچه که در این پرونده مشاهده می‌گردد فقدان رابطه قراردادی میان مشتری و کارگزاری است. شرح ماجرا از این قرار است که در پرونده فوق رابطه قراردادی میان مشتری و کارگزاری شکل نگرفته است و مشتری مبلغی را قبل از انعقاد قرارداد به حساب کارگزاری واریز نموده و با توجه به عدم تنظیم قرارداد و منتفی گردیدن آن، مبلغ واریز شده بلاجهت در اختیار کارگزاری قرار دارد و باید طبق ماده ۳۰۳ قانون مدنی مبلغ به مشتری بازگردانده شود. آیا ماده ۳۶ قانون اوراق بهادار در خصوص صلاحیت هیئت داوری بورس به اختلافات میان اشخاص فعال بازار سرمایه مانع از رسیدگی دادگاه‌های عمومی حقوقی به این قبیل پرونده‌ها که ناشی از فعالیت حرفه‌ای فعالان بازار نمی‌باشد، می‌شود؟

در اینجا لازم است به فلسفه ماده ۳۶ و عبارات آن نگاهی دقیق‌تر داشته باشیم. ماده ۳۶ قانون اوراق بهادار این چنین بیان می‌دارد: «اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها توسط هیئت داوری رسیدگی می‌شود.» عبارت «ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها» بیانگر فلسفه اصلی مقنن از تشکیل هیئت داوری است. مقنن قصد دارد دعاوی و اختلافات بورسی میان فعالان بازار سرمایه که دارای جنبه‌های تخصصی است، در هیئت داوری رسیدگی شود تا با توجه به ترکیب سه نفره هیئت داوری بورس متشکل از یک قاضی باتجربه و دو عضو از صاحب‌نظران اقتصادی و مالی تصمیم کارشناسی و تخصصی در این زمینه گرفته شود. در پرونده طرح شده

مسئله از مصادیق ماده ۳۰۳ در خصوص ضمان گیرنده فاقد حق می‌باشد و در این پرونده اختلاف ناشی از فعالیت حرفه‌ای وجود ندارد که نیاز به بررسی تخصصی توسط هیئت داوری بورس باشد. به نظر می‌رسد رسالت هیئت داوری بورس رسیدگی به دعاوی تخصصی بورسی می‌باشد نه پرونده مطروحه که فاقد هر گونه جنبه تخصصی می‌باشد.

نتیجتاً صلاحیت هیئت داوری بورس در رسیدگی به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای میان فعالان بازار سرمایه مانع از رسیدگی محاکم عمومی حقوقی به این دعاوی است، اما در پرونده مطروحه اختلاف ناشی از فعالیت حرفه‌ای نبوده و نیازی به رسیدگی تخصصی هیئت داوری بورس نمی‌باشد، دادگاه‌های عمومی حقوقی صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارند و هیئت داوری فاقد صلاحیت برای رسیدگی به این‌گونه دعاوی است. به همین جهت برخی از حقوق دانان نوشته‌اند: «اختلافی که میان اشخاص شمارش شده در ماده ۳۶ قانون بازار رخ می‌دهد، در صورتی در صلاحیت هیئت داوری قرار می‌گیرد که «ناشی از فعالیت حرفه‌ای» باشد» (سلطانی، ۱۳۹۲، ۲۸۰). این نتیجه با نگاهی به فلسفه مقنن در ایجاد هیئت داوری برای رسیدگی تخصصی به دعاوی بورسی و دقت به عبارت «ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها» در ماده ۳۶ قانون اوراق بهادار منطقی به نظر می‌آید.

۲. امکان تجدیدنظر خواهی

در خصوص خواسته بطلان یک معامله بورسی در هیئت داوری حکم به بطلان معامله داده می‌شود. دادباخته درصدد اعتراض به رأی هیئت داوری برمی‌آید و به محاکم عمومی حقوقی مراجعه و درخواست اعلام بطلان رأی هیئت داوری را می‌دهد. پرونده به شعبه ۲۱ دادگاه حقوقی تهران می‌رود. در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۸۱۰۰۸۳۸ دادرس چنین انشاء رأی می‌کند: «در دعوی ... به طرفیت ... به خواسته ابطال رأی هیئت داوری بازار اوراق بهادار به شماره دادنامه ... نظر به اینکه قانون‌گذار در تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار رأی هیئت داوری را قطعی و لازم‌الاجرا دانسته است بنابراین اعتراض به رأی هیئت مذکور مغایر قانون و استمداد به باب صلاحیت عام محاکم دادگستری، اجتهاد در برابر نص

است ... حکم به بطلان دعاوی مطروحه صادر و اعلام می‌گردد.^۱ دادباخته از رأی صادره تجدیدنظرخواهی می‌کند و شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر نیز رأی دادگاه بدوی را در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۹۷ مورد تأیید قرار داد.

درباره قابلیت تجدیدنظرخواهی آراء هیئت داوری و مرجع صالح تجدیدنظر دو نشست قضایی در سال ۱۳۸۵ برگزار گردیده است. در یک نشست قضایی نظر اکثریت قابل تجدیدنظر بودن آراء هیئت داوری در دیوان عدالت بوده است (مهدی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۳) و در نشست دیگر نظر اکثریت غیر قابل تجدیدنظر بودن آراء هیئت داوری می‌باشد (مهدی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۵). این تفاوت دیدگاه نظر اکثریت در دو نشست قضایی فوق که یک سال بعد از وضع قانون بازار اوراق بهادار برگزار گردیده نشان می‌دهد از ابتدای وضع قانون در مانحن فیه اختلاف نظر وجود داشته و این اختلاف نیز همچنان باقی می‌باشد.

برخی قطعی دانستن آراء هیئت داوری در رأی صادره را قابل نقد دانسته‌اند چراکه عبارات تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار و واژگان «قطعی» و «لازم‌الاجراء» ملازمه‌ای با غیرقابل تجدیدنظر بودن رأی در مراجع قضایی ندارد (شهینانی، ۱۳۹۴: ۷۵). همچنین می‌توان مثال‌هایی یافت مثل ماده ۲۶ قانون کار که آراء هیئت حل اختلاف راجع به تصمیم در خصوص تغییر عمده در شرایط کار قطعی و لازم‌الاجرا است، با این وجود این آراء بر اساس نص قوانین در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض می‌باشند (شهینانی، ۱۳۹۴: ۷۶). به مثال مذکور خدشه‌ای وارد است چرا که در مورد این مثال نص قانونی در خصوص صلاحیت دیوان عدالت اداری وجود دارد حال آنکه در خصوص هیئت داوری بورس چنین نص قانونی وجود ندارد.

۳. مرجع صالح تجدیدنظرخواهی

اگر آراء هیئت داوری بورس را قابل تجدیدنظر بدانیم، سوال دیگری مطرح می‌گردد و آن اینکه مرجع صالح برای تجدیدنظرخواهی کدام مرجع می‌باشد؟ در

۱. این رأی در مقاله "نقد روبه دادگاه‌ها مبنی بر عدم قابلیت اعتراض به آراء هیئت داوری بازار اوراق بهادار" در شماره ۱۱ تابستان ۹۴ فصلنامه رأی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهشی دو مرجع برای تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داوری ذکر گردیده است: دادگاه عمومی حقوقی و دیوان عدالت اداری. اما صالح دانستن هر کدام از این دو نهاد با مانعی روبه‌رو است.

صالح دانستن محاکم عمومی برای رسیدگی به اعتراض از آراء هیئت داوری صحیح نیست. چراکه فلسفه‌ی ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، رسیدگی تخصصی توسط هیئتی متشکل از یک قاضی باتجربه و دو عضو اقتصادی و مالی است تا به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای بورس با نگاه عمیق و تخصصی رسیدگی شود و قابل تجدیدنظر دانستن آراء این هیئت تخصصی توسط محاکم عمومی فلسفه فوق را زیر سوال می‌برد زیرا محتمل است نگاه دقیق و موشکافانه هیئت داوری بورس توسط دادرسی که به مباحث بورسی نگاه تخصصی ندارد نقض گردد. در نفی صلاحیت دادگاه‌های تجدیدنظر استان نیز می‌توان گفت که به موجب ماده ۳۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی صلاحیت محاکم تجدیدنظر استان منحصر به آراء صادره از دادگاه‌های عمومی و انقلاب می‌باشد (شکری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱). بنابراین محاکم عمومی چه بدوی و چه تجدیدنظر برای اعتراض از آراء هیئت داوری صالح نیستند.

برخی با استناد به صلاحیت عام دیوان عدالت اداری در رسیدگی شکلی به شکایت از آراء مراجع غیرقضایی، دیوان عدالت اداری را مرجع صالح تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داوری دانسته‌اند (نهرینی، ۱۳۹۶: ۸۸۵).

اما صالح دانستن دیوان عدالت اداری نیز با مشکلات زیادی روبه‌رو است. زیرا آراء صادره از هیئت داوری بورس جنبه ترافعی دارد نه جنبه اداری (شکری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳). آراء وحدت رویه متعددی از دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم صلاحیت در رسیدگی به امور قراردادی به دلیل ترافعی بودن وجود دارد (شکری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳).

نتیجه

هیئت داوری بورس به عنوان یک مرجع تخصصی غیرقضایی برای رسیدگی به اختلافات فی مابین اشخاص شمارش شده در ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار تشکیل شده است تا به این اختلافات به صورت تخصصی توسط هیئتی متشکل از

یک عضو قاضی و دو عضو از صاحب‌نظران اقتصادی و مالی رسیدگی گردد. در این مقاله سه موضوع بررسی گردید. اول حدود صلاحیت هیئت داورى محدود به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای فعالان بازار سرمایه است. فلسفه تشکیل هیئت داورى و همچنین عبارت «ناشی از فعالیت حرفه‌ای» نشان می‌دهد صلاحیت هیئت داورى در رسیدگی به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای میان فعالان بازار سرمایه می‌باشد. به همین جهت اختلافی که در دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۷۸۰۱۳۱۷ می‌خوانیم به این دلیل که ناشی از فعالیت حرفه‌ای نبوده است در صلاحیت هیئت داورى قرار ندارد و دادگاه‌های عمومی حقوقی در رسیدگی به این‌گونه دعاوی صلاحیت دارند.

دوم مسئله قطعی یا قابل اعتراض بودن آراء هیئت داورى است. تبصره ۵ ماده ۳۷ آراء هیئت داورى را قطعی می‌داند. اما برخی قائل به امکان تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داورى شدند.

مسئله سوم نیز مرجع صالح برای تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داورى بود که دو مرجع محاکم عمومی حقوقی و دیوان عدالت اداری در پیشینه پژوهشی توسط حقوقدانان ذکر گردیده بود. صلاحیت محاکم عمومی حقوقی در خصوص رسیدگی به اعتراض از آراء هیئت داورى نقض غرض مقنن محسوب می‌شود چراکه مقنن برای رسیدگی تخصصی به اختلافات میان فعالان بازار سرمایه هیئت داورى را تشکیل داده است و سپردن صلاحیت تجدیدنظرخواهی آراء هیئت تخصصی داورى به محاکم عمومی این هدف نیک مقنن را زائل می‌سازد. در خصوص صلاحیت دیوان عدالت اداری نیز همین مسئله جاری است. به علاوه که آراء وحدت رویه متعددی از دیوان عدالت اداری در خصوص عدم صلاحیت دیوان عدالت اداری به امور ترافعی و قراردادی وجود دارد. از این رو طبق قانون فعلی بازار اوراق بهادار باید آراء هیئت داورى را قطعی بدانیم.

با توجه به اهمیت مالی و اقتصادی دعاوی بورسی و حق دادخواهی اشخاص بهتر است مقنن هیئتی را به عنوان مرجع تجدیدنظرخواهی آراء هیئت داورى به وجود آورد. این هیئت باید از حیث تخصص و تعداد اعضاء کارآمدتر از هیئت داورى بدوی باشد تا بتواند با نگاه عمیق درباره‌ی اعتراض به آراء هیئت داورى تصمیم‌گیری نماید.

در واقع قطعی بودن آراء هیئت داوری قانونی است اما با حق بنیادین و مهم دادخواهی اشخاص هم‌خوانی ندارد و باید مقنن زمینه دادخواهی از این آرا را فراهم آورد. هر گونه تلاش و استدلال در جهت قابل تجدیدنظر دانستن آراء هیئت داوری اجتهاد برابر نص تبصره ۵ ماده ۳۷ می‌باشد. از طرفی با قابل تجدیدنظر دانستن آراء هیئت داوری و قائل شدن به صلاحیت محاکم عمومی حقوقی یا دیوان عدالت اداری که نگاه عمیق و تخصصی به معاملات بورسی ندارند، موجب نقض غرض مقنن در تأسیس هیئت داوری جهت رسیدگی تخصصی به اختلافات بورسی می‌گردد. زیرا در هیچ‌یک از دو نهاد مذکور اعضای با نگاه مالی و اقتصادی حضور ندارد و نگاه صرف حقوقی به اختلافات بورسی هدف مقنن از تأسیس هیئت داوری را نقض می‌کند.



منابع

- سلطانی، محمد، (۱۳۹۲): «صلاحیت هیئت داوری موضوع قانون بازار اوراق بهادار»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دوره ۱۶، شماره ۱۵۳.
- شکری، محمد، ایرانشاهی، علیرضا، تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۸): «امکان سنجی اعتراض به آراء هیئت داوری بورس؛ دیوان عدالت اداری یا محاکم دادگستری»، **فصلنامه حقوق اداری**، سال هفتم، شماره ۲۰.
- شهنیایی، احمد (۱۳۹۴): «نقد رویه دادگاه‌ها مبنی بر عدم قابلیت اعتراض به آراء هیئت داوری بازار اوراق بهادار»، **فصلنامه رأی**، دوره ۴، شماره ۱۱.
- مهدی‌پور، حمید (۱۳۸۵): «گزارش نشست قضایی استان»، **ماهنامه قضاوت**، شماره ۳۸، خرداد و تیر ۸۵.
- مهدی‌پور، حمید (۱۳۸۵): «گزارش نشست قضایی استان»، **ماهنامه قضاوت**، شماره ۴۳، اسفند ۸۵.
- نهرینی، فریدون (۱۳۹۶): «آیین دادرسی مدنی: جلد اول مراجع قضایی و غیرقضایی و حدود صلاحیت آنها»، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.